

این فرصت اندک را دریابید

احمد زیدآبادی

بارها گفته‌ام اقتصاد، سیاسی‌ترین مساله ایران است اما اکنون باید گفت که اقتصاد سرنوشت است! بدون سامان‌یابی اقتصاد، کشور ثابت و آرامش خود را از دست می‌دهد، اما سامان دادن به اقتصاد با توجه به مختصات سیاسی و فرهنگی کشور، به امری فوق‌دشواری تبدیل شده است. اغلب نیروهای سیاسی از سامان اقتصادی و راه دستیابی به آن، تصویری بسیط دارند و این شامل عموم نهادهای حاکم هم می‌شود. دقیقاً به همین علت، نامزدهای ریاست‌جمهوری در دوران تبلیغات انتخاباتی خود، بهبود سریع وضع اقتصاد کشور از جمله مهار فوری گرانی و تورم و بیکاری و رکود را وعده می‌دهند. چنین وعده‌ای خود نشانه روشن و دلیل محکمی از تصور بسیط نامزدهای ریاست‌جمهوری از پیچیدگی و صفناپذیر گره‌های اقتصاد ایران و باور برخی اقشار اجتماعی به تحقق این نوع وعده‌ها، علامت همین تصور ساده‌انگارانه از سوی آنان است. متأسفانه پایه‌های اقتصاد ایران بسیار ضعیف و در مواردی ویران شده است. این موضوع بر فرهنگ عمومی هم عمیقاً اثر گذاشته و به موضوعی برای رقابت‌های گمراه‌کننده و ناسالم باندهای سیاسی تبدیل شده است. این موضوع باز به نوبه خود، تفرقه بر سر راهکارهای صحیح اقتصادی را در بین نیروهای موثر اجتماعی به طرز بی‌سابقه‌ای دامن زده به طوری که حتی يك اصل مورد اجماع در جهت حل و فصل بحران‌های اقتصادی کشور در بین آنها نمی‌توان یافت.

اینکه چرا کشور به این نقطه رسیده حکایت تلخ و دردناکی است که عمدتاً در فقدان بینش علمی، منفعت‌طلبی‌های نامشروع شخصی و گروهی، تمامیت‌خواهی سیاسی و سیطره ایدئولوژی‌های مخرب بر ذهنیت اغلب نیروهای ذی‌نفوذ سیاسی و اجتماعی، ریشه دارد. به عبارت دیگر، موانع موجود بر سر راه بهبود اقتصاد کشور از جمله مهار تورم افسارگسیخته و گرانی کمرشکن، چنان در همه ابعاد زندگی اجتماعی و ساختارهای سیاسی و نهادهای تصمیم‌گیر کشور ریشه دوانده است که غلبه بر آنها جز از طریق مجریانی مجرب و مورد اعتماد، پشتیبانی عموم نخبگان و همراهی و تحمل اقشار مختلف مردم، ممکن و میسر نیست. حتی اگر همه این شرایط دشواریاب نیز فراهم شود، باز هم سالم‌سازی ساختارهای اقتصادی کشور و ایجاد وضعیتی کم و بیش مطمئن

و باثبات در این زمینه، امری بسیار تدریجی و زمانبر است و در واقع اذعان به این مساله خود نخستین گام برای ورود در چنین راهی است. اما در کشور ما که همه امور از محور خود خارج شده و بدترین نوع عوام‌زدگی و عوام‌فریبی بر تمام وجوه سیاست کشور سیطره پیدا کرده است، هیچ مقامی جرات بیان این واقعیت بدیهی و قطعی را ندارد، زیرا اذعان به چنین امری چون خلاف وعده‌های شیرین و بی‌اساس قبلی آنها به مردم است و با واکنش عصبی نیروهای رقیب و نارضایتی افکار عمومی روبه‌رو می‌شود. از همین‌رو هنگامی که سید ابراهیم ریسی به ساختمان پاستور راه پیدا کرد، به وی تاکید کردم که در حوزه اقتصاد، امکان شوالقمر یا معجزه‌ای سریع نیست، اما می‌توان با ابتکاراتی خارج از حوزه اقتصاد، زمینه جلب اعتماد عمومی و امید به آینده را فراهم کرد تا در پرتو آن تاب‌آوری اجتماعی، فرصت لازم را برای بهبود تدریجی وضع اقتصادی کشور ایجاد کند. بنابراین توصیه‌هایم به وی عمدتاً به گشایش فوری در فضای اجتماعی و فرهنگی، کاهش فشار علیه ناراضیان سیاسی و بهبود روابط خارجی کشور به عنوان پیش‌شرط‌های کنترل تدریجی بحران اقتصادی منحصر می‌شد. از برخی اظهارنظرهای آقای ریسی می‌توان حدس زد که شخصاً به انجام این امور کاملاً بی‌علاقه نیست، با این حال، گرچه دست و پای او به اندازه روسای جمهور قبلی بسته به نظر نمی‌رسد، ولی پراکندگی ویرانگر قدرت سیاسی و خودسری‌های پایان‌ناپذیر ناشی از آن در عرصه رسمی، ظاهراً توان هرگونه حرکت موج‌آفرین و افق‌گشا در این زمینه‌ها را از وی سلب کرده است. در چنین شرایطی، تمام نارضایتی‌های اجتماعی در قالب مطالبات اقتصادی جامعه متمرکز و فشار آن به‌طور مستقیم و یکجا متوجه دولت خواهد شد. دولت احتمالاً در برابر این فشارها کنترل خود را از دست خواهد داد یا با دستپاچگی، تصمیماتی خواهد گرفت که هر يك مغایر و متضاد دیگری خواهد بود به خصوص اینکه «صاحب‌نظران اقتصادی» نیز هر کدام بر راهکاری تاکید می‌کنند که هیچ‌وجه اشتراکی در آنها قابل کشف نیست و موردی از اجماع نظر در بین آنان نمی‌توان یافت. به هر حال، دولت ریسی فرصت چندانی در اختیار ندارد. بدبختانه در پشت ناکامی و شکست او فرصتی برای دیگران هم نهفته نیست. از این‌رو، سوگمندان باید گفت که دولت او آخرین فرصت برای همه است حتی همه آنان که آرزوی ناکامی و شکست آن را دارند! بعید می‌دانم تاریخ ایران چنین تراژدی هول‌انگیز و سوگناکی را تجربه کرده باشد! درست به همین دلیل، تمام قدرت اجتماعی باید در جهت هدایت دولت به سمت درست به کار افتد. احیای سریع برجام نقطه آغازین و نمادین دولت برای حرکت در جهت درست است. جز این شود، روزگاری را تجربه خواهیم کرد که نیاکان‌مان در

عهد مغول هم تجربه نکردند!

منبع: روزنامه اعتماد 23 فروردین 1401 خورشیدی